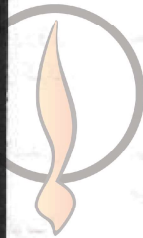


# فرهنگ عمومی



“ بزکشی



بنیاد اندیپ  
تاسیس ۱۳۹۴



□ دین محمد جاوید

در سرزمین افسانه‌ای ما افغانستان، بازی‌ها و ورزش‌هایی چون آب‌بازی، کشتی‌گیری، نیزه‌زنی، چوگان‌بازی، تیر و کمان‌بازی، خنجر بازی، شمشیر بازی، چوب‌بازی، ریسمان‌بازی، توپ‌دنده، نشان‌زنی و بزکشی رواج داشته که بعضی از این بازیها به صورت بین‌المللی در آمده و بعضی دیگر در گورستان تاریخ دفن گردیده است. ورزش «بزکشی» همچنان‌انگیزترین بازی بین بازی‌های ملی و عنعنوی افغانستان است و از دیر زمان بین اقوام و ولایات افغانستان - به خصوص ترکستان - رواج داشته که به مناسبت‌های گوناگونی چون جشن‌های ملی، میلۀ گل سرخ، اعیاد مذهبی، جشن عروسی، جشن ختنه سوری و جشن آزادی زندانی‌ای که حکم قتل داشته باشد برگزار می‌شود. هم‌چنین روزهای جمعه بعد از ادا نماز جمعه در طول سال ممکن است برگزار شود که به آن «جمعه تازی» می‌گویند.

معمولاً این بازی پس از پایان تابستان که فصل گرما و کشاورزی است از اوایل فصل خزان شروع می‌گردد. در ماه میزان، هر روز کم کم اسب‌ها را می‌دوانند تا برای مسابقات نفس آن‌ها پخته شود. عناصر لازمه این بازی همچنان‌انگیز عبارتند از چاپ‌انداز، میر میدان، اسب، بز، میدان و رقابت.

**چاپ‌انداز:** چاپ‌انداز همان بازیگر بزکشی است که بز یا گوساله را از پهنای میدان برداشته یک دور کامل میدان را دور زده و در دایره حلال و یا پرچم می‌اندازد. از آن جایی که قهرمانان این بازی بز و پنجه ۱۳۹۴ قوی دارند برای آن‌ها چاپ‌انداز، بزکش و پهلوان می‌گویند.

چاپ‌اندازان چندین ماه و سال زیر نظر چاپ‌اندازان ماهر و باتجربه تمرین داده و تربیت می‌شوند. جوانان و سوارکاران با یک مشق و تمرین جدی و با پختگی تمام وارد میدان بزکشی می‌شوند.

چاپ‌اندازان لباسی مخصوص به خود دارند که توسط خیاط‌های محلی درست می‌شود. این لباس به اندازه یک لحاف ضخیم است تا ضربات قمچین، رکاب، لگد و دندان اسب که در زمان بزکشی به بدن چاپ‌انداز اصابت می‌کند، بی‌تأثیر و لافل کم‌تأثیر شود و همین‌طور چاپ‌انداز کلاه مخصوص بر سر می‌گذارد که از پوست بره درست می‌شود و به آن «شلیک» می‌گویند. موزه کوری بلند و قونج که تا پشت زانوی‌شان می‌رسد به پا می‌کنند و به اسب‌های قوی هیکل، تیز پا و

چالاک سوار شده در مقابل و رو در روی هم صف‌آرایی می‌کنند. **میر میدان بزکشی:** میر میدان یا «داور» از قهرمانان محاسن سفید و باتجربه این بازی سنتی انتخاب می‌شود و کار او حکمیت و قضاوت است و هر چه او بگوید، از طرف چاپ‌اندازان و صاحب مراسم و تمام مردم مورد قبول واقع می‌شود. میر میدان را چاپ‌اندازان انتخاب می‌کنند و او جایزه‌ای را که صاحب مراسم تهیه می‌کند، به چاپ‌اندازانی که قهرمان شده‌اند تقدیم می‌کند. اگر بازی خیلی مهم باشد و تحت نظر کمیته ملی المپیک برگزار شود، از طرف دولت سه داور یعنی دو حکم و یک سر حکم تعیین می‌شوند و از هر تیم یک نفر مشاور هم گرفته می‌شود تا قضاوت دقیق انجام شود.

مسابقه بزکشی سه مرحله دارد:

۱- برداشتن نعش حیوان از زمین.

۲- دور زدن تمام میدان.

۳- رسانیدن بز به یک نقطه معین که دایره حلال و پرچم نامیده می‌شود.

در این مسابقه اعضای هر دو تیم به صورت دسته‌جمعی به نعش حیوان حمله می‌برند و فاتح مسابقه تیمی شناخته می‌شود که نعش را از موانع عبور داده و به دایره حلال رسانده باشد. برای چاپ‌اندازان برنده «توغ» قهرمانی داده می‌شود که این توغ آن وقت‌ها به رنگ سرخ از پارچه ابریشمی درست می‌شد. در یک طرف آن گل لاله و طرف دیگر آن، پنبه‌دانه که علامت کشاورزی شمال است نقش می‌گردید.

**اسب بزکشی:** اسب بزکشی از اسب‌های قوی هیکل تیز پا انتخاب می‌شود تا بتواند تمام فشارها را در قوره تحمل کند و با مقاومتی غیر قابل‌وصف پس از برداشتن بز به سرعت به طرف دایره حلال بدود. اسب‌های بزکشی آن قدر ماهر می‌شوند که وقتی چاپ‌انداز دست خود را به طرف بز دراز کند، بز زمین زانو می‌زند تا سوارکار به راحتی نعش بز را از زمین بردارد.

این اسب‌ها را هیچ‌گونه بار نمی‌کنند و در منزل‌های دور سوار نمی‌شوند؛ چون عقیده دارند «بال اسب میدد می‌شود و در میدان بزکشی دویده نمی‌تواند». آن‌هایی که اسب بزکشی نگه‌داری می‌کنند، به تأیید تابچی‌ها و اسب‌شناسان ماهر، اسب بزکشی را در کژگی انتخاب می‌کنند. این تابچی‌ها آن قدر ماهرند که تمام استعداد شدن و نشدن اسب را می‌دانند و در آینده پیش‌بینی شان درست در می‌آید.

اسب بزکشی را در تمام سال یک نفر تابچی مراقبت می‌کند؛ اسب‌ها به خصوص در فصل تابستان اسب‌های بزکشی را صاحبانشان زیر نظر تابچی‌های ماهر و ورزیده در بیلاق‌ها و یا زیرزمین‌های سرد، جابند نموده، آب، علوفه و جو شان را جابه جا داده و از جای شان حرکت نمی‌دهند و این عمل را «جوریز» می‌گویند.

در فصل تابستان، اسب‌ها را آن قدر مراقبت می‌کنند که آن‌ها بتوانند نه ماه دیگر سال را با انرژی در بزکشی بدوند. وقتی که تابستان تمام شود، اسب‌ها را از میخ باز می‌کنند و به آب‌دادن می‌برند، آهسته، آهسته می‌گردانند و بعد از چند روز کم کم سوار می‌شوند تا رگ‌های پای اسب باز گردد و نفسش پخته شود.

**بز:** بز نعش حیوانی که در میدان مسابقه انداخته می‌شود، بز می‌گویند. حیوان مذبح ممکن است بز یا گوساله باشد. وزن بز، بین ۳۵ تا ۵۰ کیلو از طرف داوران تعیین می‌شود. معمولاً یک روز بیشتر از مسابقه، صاحب مراسم و یا میر میدان به ظرفیت همان مراسم، چند



گوساله یا بز را ذبح شرعی می‌نماید. برای این که پوست آن حیوان محکم و سخت شود، ۲۴ ساعت آن را در آب و نمک می‌گذارند تا در کشمشکش قهرمانان، زود پاره نشود. صاحب مراسم خود را موظف می‌داند که هر تعداد بز که لازم شود، تأمین کند.

**میدان بزکشی:** در شهرها، بزکشی جایگاه و میدان مخصوصی دارد. میدان بزکشی را با خط کشی و نصب بیرق علامت‌گذاری می‌کنند. در وسط میدان سه دایره پهلوی هم کشیده می‌شود.

دایره وسطی را دایره «برداشت» می‌گویند، زیرا در آغاز مسابقه، بز از داخل آن دایره برداشته می‌شود. در دو طرف این دایره دو دایره دیگر به دو رنگ مختلف کشیده می‌شود و هر کدام به یکی از تیم‌ها تعلق می‌گیرد و آن دو دایره را دایره حلال می‌گویند که چاپ‌اندازان مکلف‌اند بز را از خط بیرق بگذرانند و یک دور، میدان را دور زده به دایره حلال مربوط به خود ببندازند. در این طور میدان‌ها و استدیوم‌ها، جای بزگان اقوام، مهمانان و مسؤولین دولت مشخص می‌باشد.

ورزش بزکشی همانند باقی ورزش‌ها به مرور زمان مراتب تحوّل خود را پیموده و با تربیت اسپ و سوارکار آهسته آهسته نشو و نما نموده و با مشق و تمرین زیاد، از حالت نمایش و آموزش به صورت ورزش رقابتی تغییر شکل داده و شکل منظم گروهی گرفته است.

این مسابقات در حدود پنجاه سال قبل، تحت نظر المپیک قرار گرفته و قوانین و مقررات جدیدی برایش وضع گردیده است.

این بازی که میراث گرانبهای نیاکان قهرمان و عیار ماست در جشن‌ها و اعیاد ملی و بیشترین وقتها در دشت شادیان در مزار شریف، دشت بگرامی در کابل و دشت جم‌قلعه در بغلان و در دشت گنجشک در دره صوف برگزار می‌شود. قهرمانان جزایر و تیزچنگ هر ولایت در حالی که لباس مخصوص بزکشی بر تن نموده‌اند، وارد میدان شده و به رقابت می‌پردازند.

مدت اجرای این مسابقه، یک الی دو ساعت است و در صورتی که تیم‌ها مساوی بمانند، از طرف داور وقت اضافی داده می‌شود.

اگر بزکشی در محلاتی غیر از مرکز ولایات یا ولسوالی‌ها برگزار شود، زمینی بزرگ و هموار را برای مسابقه انتخاب می‌کنند و دستور می‌دهند در وسط میدان، زمین را به اندازه‌ای که بز در آن جا بگیرد، دایره مانند حفر کنند که همین دایره را به اصطلاح محلی «جور» می‌گویند. کنار میدان، پرچم ملی را نصب می‌کنند و هر طرف که پرچم باشد، آن طرف را اصطلاحاً شمال می‌نامند.

بازی به این صورت شروع می‌گردد: اول بز توسط میر میدان در میان وسط میدان گذاشته می‌شود و با دمیدن سوت و یا صدای مخصوص میر میدان که می‌گوید «اور»، تمام سوارکاران با هیجانی غیرقابل وصف بر سر بز هجوم می‌آورند و به این ترتیب بازی شروع می‌شود. هر سوارکاری که بز را اول از زمین بلند کند و به آن طرف میدان که پرچم نصب شده برساند، یک امتیاز به نفع ولایت خود به دست می‌آورد. اسپ قوی ماهر و چاپ‌انداز تیزچنگ و قدرتمند، توفیق آن را می‌یابند که قهرمانانه بز را از «قوره» بیرون کرده به پرچم برسانند و همین طور چاپ‌اندازی که «بز» را از قوره بیرون نموده میدان را کامل دوره کرده بین دایره حلال ببندازد، یک امتیاز کامل به نفع ولایت خود به دست می‌آورد. میر میدان اسم چاپ‌انداز و ولایت آن را اعلام می‌کند و به افتخار پیروزی و برای تشویق چاپ‌انداز، گروه نوازنده و خواننده می‌نوازند و می‌خوانند و چاپ‌انداز از طرف میر میدان و تمام تماشاچیان

طرفدار خویش مورد تشویق قرار گرفته و جایزه دریافت می‌کند. به همین صورت مسابقه تا آخر وقت ادامه می‌یابد. نزدیک پایان وقت، میر میدان لاشه بز را در یک گوشه میدان قرار داده، جایزه را اعلام می‌کند. سوارکاران پس از آن از هر طرف سوی بز هجوم می‌برند و هر کدام از سواران که بز را بلند نموده حلال نماید، مسابقه به نفع آن چاپ‌انداز و ولایت او خاتمه پیدا می‌کند. این بز را هزاره‌ها «بز آخر الاغ» و از بک‌ها «الاغ کتی» می‌گویند.

انداختن بز آخر الاغ در دایره حلال کار ساده‌ای نیست. تمام سوارکاران مانع ایجاد می‌کنند و نمی‌گذارند بز را در دایره حلال ببندازند. میر میدان به خاطر گرم کردن صحنه رقابت، مرتب جایزه را بالا می‌برد. بعضی وقت‌ها این کار میر، آن قدر رقابت را شدید می‌کند که چاپ‌اندازان ضعیف و اسپ‌های ناتوان و سوارکاران کم‌تجربه، از بین قوره بیرون آمده نتوانسته در همان جایز دست و پای اسپ‌های پیلتن و چاپک سواران بی‌باک از بین می‌روند. اگر چاپ‌اندازی موفق شود و بز را به دایره حلال ببندازد، از طرف بانی مسابقه، میر میدان و طرفداران خود انعام دریافت می‌کند و لاشه بز نیز به او تعلق می‌گیرد.

**رقابت:** مسابقات بزکشی اگر در استدیوم و زیر نظر کمیته المپیک برگزار شود، دو تیم از دو طرف به عدد مشخص انتخاب می‌شوند و در یک محدوده زمانی مشخص که معمولاً هفتاد و هشتاد و یک ساعت است، به رقابت می‌پردازند و هر کدام برنده شدند، جایزه را از کمیته المپیک دریافت می‌کنند. این تیم‌ها هر کدام افراد ثابت و نام مخصوصی دارند.

رقابت اگر در بین ولایت‌ها و ولسوالی‌ها صورت بگیرد، فقط منطقه مطرح است و دیگر مسایل نژادی و قومی و... ملاک نمی‌باشد. اگر فرض کنیم یک هزاره از ولایت سمنگان یا یک از بک از ولایت بلخ به مسابقه بپردازند تمام اقوام ساکن در سمنگان با عواطف و احساسات غیر قابل وصف همان پهلوان سمنگانی را مورد تشویق قرار می‌دهند و همین طور بلخی‌ها پهلوان خودشان را تشویق می‌کنند. وقتی که بز را از زمین برداشت، باقی چاپ‌اندازان مناطق در کنار او سپر دفاعی می‌شوند و نمی‌گذارند که چاپ‌اندازان سمنگانی بز را از دست او بگیرند. اسپ پهلوان خودشان را جلوکش کرده از قوره بیرون می‌کنند و به طرف پرچم یا جوره و همنامی نموده دو طرف او اسپ خودشان را می‌دانند تا بز را پهلوانان حریف نتوانند از دست او بگیرند و طرف مقابل هم همین عمل را انجام می‌دهد.

رقابت بزکشی اگر در بین خود ولسوالی باشد، مسابقه صورت محلی پیدا می‌کند. به عنوان نمونه، بزکشی ولسوالی دره صوف را مثال می‌آوریم. رودخانه‌ای که از سرحد جنوبی دره صوف سرچشمه گرفته تا آخرین نقطه شمال دره صوف امتداد دارد به طور طبیعی ولسوالی را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم می‌کند. وقتی که مسابقه بزکشی صورت می‌گیرد، چاپ‌اندازان شرق رودخانه و غرب رودخانه به اسم این طرف آب و آن طرف آب به رقابت می‌پردازند و اگر دو نفر برادر در دو طرف رودخانه ساکن باشند، در مقابل هم قرار می‌گیرند. بعضی اوقات می‌شود که دو برادر بز را از قوره بیرون کرده و با هم قوش تقسیم میدان را دور می‌زنند. چه بسا اتفاق افتاده که دو برادر به خاطر کندن بز از همدیگر، به جان هم افتاده با قمچین و رکاب همدیگر را زده و یا با چاقو تنگ اسپ یکدیگر را پاره کرده‌اند. به هر حال، وقتی که بز را از تقسیم یکدیگر کنده به دایره حلال انداختند، میر میدان اعلان می‌کند که فلان چاپ‌انداز از آن طرف آب بز را از تقسیم فلان نفر چاپ‌انداز این طرف آب کنده و





پیش‌سفیدان و پدر عروس انعام و تشویقیه دریافت می‌کند. خویشانی بعد از اتمام بز تازی از طرف پدر عروس پذیرایی می‌شوند. آن گاه عروس و داماد را یک جا بالای اسپ سوار می‌کنند و به طرف خانه داماد راه می‌افتند. پدر داماد یا یک نفر از بستگان، همه را با صدای بلند به ادامه جشن در خانه داماد دعوت می‌کند. آن وقت خویشان و مردم محل به طرف خانه داماد حرکت می‌کنند. وقتی نزدیک خانه داماد رسیدند، پدر داماد به شکرانه رسیدن عروس و داماد سر راه آن‌ها «بز» می‌دهد. در این جا رقابت بین چاپ‌اندازان آزاد است و هر کس به زور و بازو و دست و اسپ خود بز را می‌کشد و این بز در پرچم و دایره حلال انداخته نمی‌شود، بلکه به طوی خانه داده می‌شود. مادر داماد به جای انعام، به لگام اسپ چاپ‌انداز موفق دستمال می‌بندد و بزکش‌ها را خطاب قرار داده و می‌گوید: «بچه‌هایم! خدا شما را عمر بدهد، شاخه جوانی شما شکست نخورد و این نیکی در خوشی‌های شما برگردد.» وقتی که عروس به خانه داماد پایین شد، تمام دعوت شدگان پذیرایی می‌شوند و بعد، مسابقه بزکشی شروع می‌شود و این رقابت‌ها بعضی وقت‌ها آن قدر شدید می‌شود که کسی بز آخر الاغ را به جر و یا پرچم انداخته نمی‌تواند. بعضی وقت‌ها جهت ختم مسابقه یکی از چاپ‌اندازان بز را گرفته و فرار می‌کند. در این صورت غیر از بز، دیگر چیزی نصیب او نمی‌گردد.

به دایره حلال انداخت و میرمیدان و طرفداران آن، جهت تشویق جایزه می‌دهند.

**رقابت در عروسی:** ابتدا موسفیدان، قهرمانان و افراد هر محله از طرف پدر داماد در جشن عروسی دعوت می‌شوند. مردم هر قریه جهت تماشا، میله و صحبت و صرف غذا سواره و پیاده به طرف جایگاه مخصوصی که برای بزکشی در نظر گرفته شده است، حرکت می‌کنند. وقتی که تمام مردم جمع شدند، دسته‌ای از جوانان هم‌سن و سال، داماد و چاپ‌اندازان را گرفته به خانه پدر عروس می‌برند تا عروس را از خانه پدرشان بیاورند. افرادی که به معیت داماد به خانه خُسرش رفته‌اند، «خویشانی» گفته می‌شوند.

قبل از رسیدن خویشانی، اهل محل و طرفداران پدر عروس، بز و یا گوساله‌ای را سر بریده و آماده می‌ایستند و پرچمی را که از دور پیدا باشد، به بالای بلندی‌ای که رساندن بز بر آن مشکل باشد نصب می‌کنند. وقتی که خویشانی از دور نمایان شدند، بزکش‌های محله و طرفداران پدر عروس گوساله را جلو خویشانی می‌برند و مسابقه از همان جا بین خویشانی و افراد منطقه شروع می‌شود که اسم آن را «بز ننگی» می‌گویند. خویشانی تا آخرین قدرت می‌کوشند تا ننگی خویش را به جا آورند و بازنده نشوند. رقابت شدید بین خویشانی و اهل محل شروع می‌شود و هر کدام که لاشه را به پای پرچم رسانند، از طرف

